

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره اول - فروردین ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۳۹

نگاهی به ویژگی‌های سبکی شاهنامه سلیمانی

اثری از فتح‌الله عارف به تقلید از شاهنامه فردوسی^۱

(ص ۳۴۷-۳۶۶)

احمد رضا یلمه‌ها^۲، نسرين اسکندري^۳

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

با بررسی و معرفی آثار خطی منظوم و منثور که از گذشتگان به یادگار مانده، میتوان بر غنای سرمایه معنوی زبان و ادب فارسی افزود. با وجود شناسایی نسخه‌های خطی فراوان هنوز آثار ناشناخته بسیاریند. یکی از آثاری که تاکنون معرفی نشده، شاهنامه‌ای به نام شهنشاهنامه سلیمانی است که فتح‌الله عارف آن را به تقلید از شاهنامه فردوسی در سده دهم هجری قمری سروده است؛ این اثر که حدود بیست و یک هزار بیت دارد، در وزن «فعولنفعولنفعولنفعول» و بحر «متقارب مثنی محذوف» سروده شده است. تنها نسخه‌ای که از این اثر در دسترس است، بشماره ۴۲۴۹ با خط نستعلیق در موزه آستان قدس رضوی حفظ میشود و فیلمی از آن نیز بشماره ۲۰۶۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. از مهمترین ویژگی‌های سبکی این اثر کاربرد موسیقی بیرونی، کناری، درونی و معنوی، کاربرد آرایه‌های ادبی بسیار چون تشبیهات و تلمیحات بوفور، کاربرد ویژگی‌های لغوی و نحوی سبک خراسانی و تأکید بر مضامین اخلاقی و پندواندرز و نیز اشاره به بی‌اعتباری و ناپایداری دنیا و شادی و شاد زیستن است.

کلمات کلیدی: شاهنامه سلیمانی، سبک خراسانی، فتح‌الله عارف، حماسه، نسخه خطی

^۱ . این مقاله برگرفته از رساله دکتری مؤلف با نام «مقدمه، تصحیح و تعلیق بخش سوم شهنشاهنامه سلیمانی سروده عارف عجمی» است.

^۲ . استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

^۳ . دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

۱- مقدمه:

نفوذ فرهنگ و ادب فارسی در بسیاری از مناطق جهان پیشینه‌ای طولانی دارد. یکی از این مناطق آسیای صغیر است که بیش از دیگر نقاط پذیرای زبان و ادب فارسی بوده است. در دوره پادشاهان عثمانی نیز زبان و ادب فارسی بطور گسترده در این منطقه رواج یافت. بسیاری از نویسندگان و شاعران آثاری را به فارسی نوشته‌اند و گروه زیادی از آنان تحت تأثیر شاعران بزرگ ایران از جمله نظامی، حافظ، سعدی، مولوی، فردوسی و دیگران قرار گرفته‌اند. زبان و ادب ایرانی بگونه‌ای در ممالک عثمانی نفوذ کرد که زبان عربی در سده‌های آغازین اسلام وارد زبان فارسی شد. این نفوذ آنچنان گسترده بود که طبق یک آمار حدود ۷۵ درصد واژه‌ها بویژه اصطلاحات اداری و اجتماعی و مدنی فارسی بود (زبان همدلی، حسنلی: ۱۵).

پادشاهان عثمانی که دوستدار زبان و ادب فارسی بودند، شعرا و نویسندگان را به سرودن اشعاری بزبان فارسی تشویق میکردند. یکی از این پادشاهان سلطان سلیمان است که خود نیز بزبان فارسی و ترکی شعر میسرود. نسخه خطی شهنشاهنامه سلیمانی که آن را فتح‌الله عارف، شاعر پارسی‌زبان عثمانی سده دهم هجری، به تقلید از شاهنامه فردوسی در بیست و یک هزار بیت سرود، شرح فتوحات این پادشاه است که در این مقاله ویژگیهای سبکی آن بررسی میشود.

۲- کلیات تحقیق

۲-۱- هدف تحقیق:

۱. هدف اصلی برای تصحیح متون ادبی آن است که نسخه خطی موجود احیا و بصورت منظم و مدون در دسترس اهل تحقیق قرارگیرد و بگونه‌ای باشد که خوانندگان هنگام خواندن نسخه تصحیح‌شده اطمینان حاصل کنند که نسخه‌ای قریب به اصل را در دست دارند.

۲. این پژوهش بر آن است تا برای نخستین بار به تصحیح بخش سوم منظومه شهنشاهنامه سلیمانی اثر فتح‌الله عارف که برون شاهنامه سروده شده و حاوی مضامین حماسی و تعلیمی است، بپردازد.

۲-۲- فرضیه‌های تحقیق:

۱- این منظومه تحت تأثیر شاهنامه فردوسی سروده شده است.

۲- مضامین اخلاقی و تربیتی فراوانی در خلال اشعار حماسی این منظومه درج شده است.

۲-۳- پیشینه تحقیق:

طبق بررسیهای بدست‌آمده تاکنون نه در خارج و نه در داخل ایران، هیچ پژوهشی درباره فتح‌الله عارف و اشعار او انجام نشده است، اما در بعضی از تذکره‌ها مختصراً از او با عنوان «شاهنامه‌چی سلطان سلیمان قانونی» یاد کرده‌اند.

۲-۴- روش تحقیق:

این پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و براساس تنها نسخه‌ای که از آن در دست بود، انجام شده است.

۳- معرفی شاعر

فتح‌الله عارف از شعرای عهد سلطان سلیمان خان عثمانی قانونی و شاهنامه‌چی او بود (دانشنامه ادب فارسی، انوشه: ۵۶۴). گروهی خاستگاه او را ایران میدانند و عده‌ای برآنند که مادر او عرب و پدرش ایرانی و از شاگردان ابراهیم گلشنی بوده است. پدر عارف از ادبای عصر و از خطاطان زبردست آن زمان بشمار میرفت که پس از فتح تبریز بدست شاه اسماعیل صفوی با استادش به قاهره رفت و در آنجا دختر استاد را به همسری برگزید و پس از تصرف قاهره توسط سلطان سلیم اول، با فرزند خود به استانبول کوچ کرد؛ همچنین گفته‌اند: عارف با همراهی القاص میرزا به روم و از آنجا به مصر سفر کرد. عارف و پدرش هردو با دربار عثمانی پیوستگی داشتند. «وی اشعار بسیاری درباره سفرها و جنگها و فتوحات سلطان سلیمان سرود و در مدح او گفته‌است:

محیط جلالی شها همچو یم
جلیل‌العطایا جمیل‌الشیم
همه موج حلمی و عزّ و علا
همه چشمه علم و بذل همم

(شعر و ادب فارسی در آسیای صغیر تا سده دهم هجری،

خسروشاهی: ۱۳۵۰)

عارف شاهنامه‌ای برشته نظم کشید که شامل ۶۰ هزار بیت است و آن را به سلطان سلیمان قانونی هدیه کرد. جلد اول این اثر در آفرینش پیامبران، جلد دوم از ظهور اسلام و گسترش آن، جلد سوم درباره فرمانروایان ترک قدیم و سلجوقیان، جلد چهارم درباره امپراطوری عثمانی و جلد پنجم درباره سلطان سلیمان قانونی است. وی در آغاز تصنیف شاهنامه‌اش روزانه بیست و پنج آقچه دستمزد میگرفت؛ ولی پس از آنکه نیمی از کارش تمام شد، مستمری او بروزی هفتاد آقچه رسید. در خانه‌اش نیز جایی را بنا کردند تا شاهنامه‌اش را خوشنویسی کند و آن را با مینیاتور زینت بخشد. او پول زیادی را از دربار دریافت میکرد و همین امر باعث حسادت بسیاری از مردم، خصوصاً مینیاتوریست کتابش شد. عارف اشعاری هم بزبان ترکی سروده است. از دیگر آثارش «سلیم‌نامه، فتوحات جمیله، دیوان فارسی، صنم‌الخیال و صنم و برهمن است که اثری است مصنوع درباره تشریح انسان و اسب و در هزارو شصت بیت سروده شده است، فرس‌الخیال شامل رساله‌ای در معما، نظیره‌ای بر اشعار امام فخر رازی، نظیره خمسۀ نظامی گنجوی، ابیات تاریخیه و سفرنامه سلیمانی است. عارف در سال ۹۶۹ بدرود حیات گفت» (دانشنامه ادب فارسی، انوشه: ۵۶۴).

۴- معرفی نسخ:

از شاهنامه سلیمانی اثر فتح‌الله عارف تاکنون چهار نسخه شناسایی شده است:

- ۱- نسخه موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی با شماره ۴۲۴۹ که در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی توسط شخصی به نام رضا نایینی وقف و با مشخصات زیر ثبت شده است:
 - ناظم آن عارفی است که در سال ۹۶۹ بدرود حیات گفته است. این نسخه در سال ۱۱۶۷ هجری قمری در ۳۰۵ ورق و در هر ورق ۱۹ سطر چهار ستونی با خط نستعلیق روی کاغذ نخودی برشته تحریر درآمده است. عناوین آن به شنگرف است و جلدش تیماش بنفش.
 - بیت آغاز: بده تا ببندم به وجه جمیل به بال سخن شهپر جبریل
 - بیت انجام: بدو باد ارزنده آن نام و کام بدین گفته کردیم ختم کلام
 - از صفحه ۳۰۰ نسخه خطی کتابت تغییر کرده و ۲۶ بیت تکرار شده که احتمالاً سهل‌انگاری کاتب باعث این امر شده و محو و پاک‌شدگی در این نسخه زیاد وجود دارد.
- ۲- نسخه‌ای با شماره ۲۰۶۷ که فیلمی است از نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی و در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی تهران جلد اول صفحه ۱۲۷ معرفی شده و آغاز و انجام و متن کامل آن با نسخه آستان قدس رضوی مطابقت دارد.
- ۳- دستنوشته‌ای که با شماره H.1517 در کتابخانه موزه توپقاپوسرای ترکیه نگهداری می‌شود. این اثر با نام «سلیمان‌نامه» توسط علی فرزند امیربیوک شیروانی در سی‌هزاربیت در ۶۱۷ برگ ۱۵ سطری در سال ۹۶۵ برشته تحریر درآمده که دسترسی به آن با وجود تلاشهای فراوان امکان نداشت.
- ۴- نسخه‌ای با شماره ۲۷۲۹/۳ در کتابخانه ماگنسیا در ترکیه که ظاهراً مجموعه‌ای است و بخشی از آن را شاهنامه عارف عجمی تشکیل داده و در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مغنسیا(ص ۳۱۳-۳۱۴) از آن یاد شده است.
- این اثر که در بیست‌ویک‌هزاربیت به تقلید از شاهنامه فردوسی در وزن «فعولن فعولن فعولن فعل» و بحر متقارب مثنی محذوف سروده شده، شامل شرح لشکرکشیها و فتوحات سلطان سلیمان خان قانونی است؛ علاوه بر آن سرشار از مضامین تعلیمی و وصف صحنه‌های جنگ و طبیعت و زیباییهای کنیزکان است. طبق آنچه در متن نسخه آمده، وقایعی که بشرح آن پرداخته شده، در قرن دهم هجری اتفاق افتاده است.

۵- ویژگیهای سبکی شاهنامه سلیمانی

شاهنامه سلیمانی اثری است که در قرن دهم هجری قمری بتقلید از شاهنامه فردوسی با ویژگیهای سبک خراسانی سروده شده است؛ سبکی که از زمان رودکی آغاز و تا حدود قرن ششم ادامه داشت و شاعران بسیاری را بدنبال خود کشاند. در این مقاله سبک این اثر از سه دیدگاه زبانی، فکری و ادبی بررسی میشود و برای هر کدام از ویژگیها شواهدی ارائه خواهد شد.

۱-۵- سطح زبانی

۵-۱-۱- سطح آوایی

الف) وزن یا موسیقی بیرونی

شاهنامه سلیمانی یک مثنوی حماسی است و طبیعی است اگر شاعر در یک منظومه تنها یک وزن را اختیار کند. این منظومه چون تمامی منظومه‌های بزرگ پارسی (شاهنامه فردوسی، منظومه‌های نظامی، مثنوی مولوی و ...)، در قالب مثنوی و در یک وزن سروده شده است؛ او همچون فردوسی و یا بتقلید از او با توجه بزمینه عاطفی و فضای حماسی آن از بحر متقارب مثنی محذوف (فعولن فعولن فعل) بهره برده است؛ وزنی که هم روان است و هم ضرباهنگ دارد که در القای عاطفه تند و خیزابی اثری حماسی بیشترین تأثیر را دارد. تا آنجا که مجال جستجو بود، عارف از سکتها و اختیارات شاعری یا استفاده نکرده و اگر هم استفاده کرده، ناچیز است.

ب) موسیقی کناری

منظور از موسیقی کناری عواملی است که در نظم موسیقایی شعر مؤثر است که آشکارترین آن ردیف و قافیه است.

قافیه

«کسالت و یکنواختی حاصل از موسیقی یکسان در بعضی از انواع شعر از جمله مثنوی _ که طولانی هستند _ بوسیله قافیه از بین می‌رود و بنوعی ذهنیت خواننده نسبت به یکنواختی موسیقی شعر عوض میشود (فرهنگ موسیقی شعر، ذوالفقاری: ۹۰).
هجای پایانی قافیه در آهنگ شعر نقشی اساسی دارد؛ خصوصاً اگر مصوت‌های بلند «آ، ای، او» باشد. از این نمونه در مثنوی عارف فراوان است:

شهانی که گشتند گیتی گشای گشادند گیتی به شمشیر و رای (بیت ۳)

در مواردی که کم هم نیست، عیوب قافیه در مثنوی عارف دیده میشود، مانند:

بدان کار ماندند هر کس شگفت به لب برد انگشت هر کان شنف (بیت ۷۲۶۵)

که از تیغ با بیم جان میکنند به دادار داور فغان میکنند (بیت ۱۲۱۱)

در آن صبحگه در شگفت آمدند ز حیرت به گفت و شنف آمدند (بیت ۱۲۴۷)

همه کشتی آکنده از کشته بود رخ آب چون ارغوان گشته بود (بیت ۶۱۵۷)

گرفتند از آن کار یکسر شگفت فتادند با هم به گفت و شنف (بیت ۱۳۷۷)

ننالیده هرگز رگی از گرفت به جز تار قانون هم اندر نهفت (بیت ۵۲۸۲)

و در برخی از ابیات نیز قافیه دیده نمیشود:

اورج کشتی‌ای ساخت از بهر خویش به دریا روان کرد از بهر خویش (بیت ۵۵۴۳)

کمان را بزه کرد و بنهاد چست میان بست با خنجر و گرز چست (بیت ۵۵۶۰)

ردیف

ردیف نیز در غنای موسیقی شعر مؤثر است؛ خصوصاً ردیفهای فعلی اگر از نوع ترکیبات طولانی باشد، موسیقی کناری را تقویت مینماید. در شاهنامه عارف ردیفهای فعلی بسیاری بچشم میخورد که بر غنای موسیقی آن افزوده است.

چه باشد سپاه تو بدکار چند ابر گردبادی خس و خار چند (بیت ۵۹۴۳)
ابی تو به پیکر سر ما مباد جدا از تو این کشور ما مباد (بیت ۷۴۱۵)

ج) موسیقی درونی

«از آنجا که مدار موسیقی بر تنوع و تکرار استوار است، هرکدام از جلوه‌های تنوع و تکرار که از مقوله موسیقی بیرونی و کناری نباشد، در حوزه مفهومی این موسیقی قرار میگیرد» (موسیقی شعر، کدکنی: ۳۹۲). در این منظومه انواع جناس که جزء موسیقی درونی است، بچشم میخورد که عبارتند از:

جناس تام

ولی آنکه از آهویش عار نیست نه آهو که جز خوک مردار نیست (بیت ۸۴۶)
ولیکن یکی مرد بیگانه بوم بدانسان که در قصر ویرانه بوم (بیت ۲۰۱۷)
ز دلها غم دور بر باد شد قدح آمده دور بنیاد شد (بیت ۳۸۸۴)
کند هر دم از بیم رای عراق نوازده همه پرده‌های عراق (بیت ۴۷۱۷)

جناس لفظ

همه تیغ و گرز و سپر خواستند به کشتی نشستند و برخاستند (بیت ۵۸۲۳)
صهیل نوندان گذشت از سهیل همه دشت پر شد ز خرگاه و خیل (بیت ۲۹۴۵)
نیز نک: بیت ۲۲۰۹ (سبا و صبا)، بیت ۱۳۸۷ (صیف و سیف) و بیت ۸۴۹ (ختا و خطا).

جناس مرکب

نگارد یکی نامه باطلی به دارای اسپانیه باطلی (بیت ۲۲۸۶)
گزارش ز شهنواز کرده همه ز خوبی به شه ناز کرده همه (بیت ۱۷۷۳)

جناس ناقص

فتادی به گل هر که را رخت و بار برون نامدی چون گل آلا بهار (بیت ۴۷۸۸)
رسیده سر نیزه بر آفتاب ز هیبت شده زهره زهره آب (بیت ۳۱۴۸)

(۳۱۴۸)

دویدند فرمانبران با عقاب به قاصد پریدند همچون عقاب (بیت ۲۳۴۱)

جناس خط

به هر سر یکی مترسی ساخته
جناس افزایشی

همه آنچه بودش کم‌وکاستی
زد از قلب بر قالب راستی (بیت ۲۳۴۸)
رسید از سمک موج خون بر سماک
گریوه شد از پشته کشته خاک (بیت ۳۳۲)
واج‌آرایی یکی دیگر از موارد موسیقی درونی است که در بسیاری از ابیات این اثر دیده میشود؛
از جمله واج‌آرایی «ش، ز، گ، الف، ر» در ابیات زیر:

ز هر کشوری لشکری شد عیان	ز هر لشکری محشری شد عیان (بیت ۲۷۵۹)
بنالید چون زنگی خسته زنگ	ز آواز زنگوله شد چرخ دنگ (بیت ۲۸۴۲)
به تشریف شاهانه شاه جهان	سرش را رسانید بر آسمان (بیت ۳۴۴۴)
شهرانی که گشتند گیتی گشای	گشادند گیتی به شمشیر و رای (بیت ۳)
شهنشه به تشریف شاهنشهی	بیاراستش همچو سرو سهی (بیت ۴۳۲)
شپاشاپ شمشیر بر شد به	گریزان شد از دشت شیر و هزبر (بیت ۱۵۵)

• (د) موسیقی معنوی

• «اگر بخواهیم از جلوه‌های شناخته‌شده اینگونه موسیقی چیزی را نام ببریم، بخشی از صنایع معنوی بدیع از قبیل تضاد و طباق، ایهام، مراعات‌النظیر و تلمیح از معروفترین نمونه‌هاست» (موسیقی شعر، کدکنی: ۳۹۳). شاهنامه سلیمانی از نظر موسیقی معنوی نیز تشخص دارد و سرشار از این نوع موسیقی است؛ مانند:

• مراعات نظیر و تضاد و طباق میان شیر و گرگ و میش، زن و مرد، برنا و پیر، ناهید و تیر:

به شمشیر چون شیر از داد خویش	ببندد سر گرگ بر پای میش (بیت ۱۹۸۲)
غریو زن و مرد و برنا و پیر	ز هر سو برآمد به ناهید و تیر (بیت ۱۴۱)

تلمیح:

جهان زو پر، اما پدیدار نه	خلا را به سرکار او کار نه (بیت ۲۴۴۲)
اشاره به آیه «هو حی لایموت، هوالباقی»	

• (ه) دیگر ویژگیهای آوایی شاهنامه سلیمانی:

۱. **مشدد شدن بعضی حروف** بخاطر رعایت وزن، یکی از ویژگیهای این اثر است؛ از جمله:

هنرور حریفی ز هر حرفتی	همی کرد عرض یکی صفتی (بیت ۴۱۸۷)
که دوزد بدان در شب تیرماه	پر پشه بر پای مور سیاه (بیت ۳۳۴۹)

۲. **حذف و تخفیف**

گیا بجای گیاه:

نیاید ز مهتاب گرمی به خاک
بسوزد گیا ز آتش تابناک (بیت ۲۰۳۲)
پابست بجای پای‌بست:

کلید در شهر در دست ماست
حصار برون جمله پابست ماست (بیت ۲۳)
کاربرد ره بجای راه، روبه بجای روباه، چار بجای چهار، قپودان بجای قاپودان، انده بجای اندوه، کوتاه بجای کوتاه، شهنشه بجای شاهنشاه، کله بجای کلاه از دیگر موارد است.

۳. آوردن چند حرف ساکن پشت سر هم

حریر سنانشان به نوک قلم
تو گویی که بر خون کشیده رقم (بیت ۳۰۵۵)
همی‌رفت هر دم ز کفشان عنان
همی‌گشت حیرت فزون هر زمان (بیت ۳۲۷۳)
همه دل به پیمانش کردند سخت
ز قلعه به هامون کشیدند رخت (بیت ۳۵۹۷)
همه کبر و لافش فراموش شد
لب از خودستاییش خاموش شد (بیت ۳۷۱۴)
به بالینش از درد بشتافتند
تنش را همه غرق خون یافتند (بیت ۴۳۹۹)
بدان مدح و مدحت درودی نکرد
فسون فسون خوانش سودی نکرد (بیت ۵۰۶۸)

۴. بکار بردن ممال کلمات:

در این حرف و من‌ذلک پرفریب
که بر جمع و خرجت نویسد حسیب (بیت ۲۶۹۹)
بیارم سپاهی به ساز و سلیح
که نبود در این کار جای مزیح (بیت ۷۰۳۵)

۵. کاربرد اسم صوت:

اسم صوتهایی که در این اثر بوفور بچشم میخورد، عبارتند از:
تراک: صدای ترک‌خوردن؛ ترنگ‌ترنگ: آواز سلاح؛ جَراجر: صدایی که هنگام بازشدن در ایجاد
میشود. قعقع: آواز سلاح، شپاشاپ: صدای تیر که بجایی میخورد.

۵-۱-۲- سطح لغوی

بررسی شاهنامهٔ سلیمانی از این منظر نشان‌دهندهٔ آن است که عارف بر زبان تسلط خاصی دارد. او گاهی ترکیبات بدیعی آورده و به لغات و مضامین توجه بسیار دارد. بسامد لغات عربی و بیگانه در این منظومه ناچیز است، اما استعمال لغات در معانی خاص و کهن بسامد زیادی دارد که عبارتند از:

آوردن «اندر» بجای «در»

خود اندر حصار درون رفته‌اند
همه‌شب به آسودگی خفته‌اند (بیت ۲۶)
به صمصام تیز اندر آن ترک‌تاز
زبان مخالف نکرده دراز (بیت ۸۰۹)

آوردن «یکی» بجای «یک»

عدو را نظر بر رخ دشت بود
که از موج خون چون یکی طشت بود
(بیت ۱۰۷)

ندیدم یکی دوست در باغ دوست

که چون پسته مغزیش باشد به پوست
(بیت ۵۳۰۷)

یکی ذره بودم که برداشتی

سرم — سر سپهر زر افراستی
(بیت ۷۳۵)

«شدن» بمعنی «رفتن»

به نقب اندرون کرد آتش رها

تو گفתי که در غار شد اژدها (بیت ۱۳۲)

بلا کرد آهنگ چشمکزی

شد از چشم چشمکزان روشنی (بیت ۹۱۲)

آوردن «اندرون» بجای «در»

به نقب اندرون آتش اندر نهد

بهم صرصر و نار را سردهد (بیت ۱۳۰)

آوردن «همی» بجای «می»

همی خواهم آن تاج رخشنده را

که دیده بسی شاه فرخنده را (بیت ۵۶۸)

دگر یک همی گفت در شهر هیچ

نشانیده لشکر به ساز و بسیج (بیت ۴۴۳)

«ایدون» بجای «این چنین»

پراژنگ ابرو و پرژنگ دل

دو پایش فرورفته ایدون به گل (بیت ۵۵۷۹)

شه نو یکی نامدار کهن

گزیده است ایدون در آن انجمن (بیت ۵۷۳۶)

«همیدون» بجای «همچنین»

بویژه همی در برم آنچه هست

همیدون بریزم به پایت ز دست

(بیت ۵۶۲۲)

«ایدر یا ایذر» بمعنی «اینجا»

به آب ایذر از خنجر آبرنگ

شد از خوردن مرد، ماهی نهنگ

(بیت ۵۶۹۳)

به دریا در ایدر مرا باشکوه

یکی کشتی‌ای هست برسان کوه

(بیت ۵۶۲۳)

«ابا» بجای «با»

روان شد ابامایه و دستگاه

به مصر اندر آمد پس از چندگاه

(بیت ۵۶۳۱)

بسی زی ابا نیکی و بخردی

ز تو باد کوتاه دست بدی

(بیت ۵۷۳۳)

«ابر» بجای «بر»

- چه باشد سپاه تو بدکار چند
ابر گرد بادی خس و خار چند
(بیت ۵۹۴۸)
- «ابی» بجای «بی»
ابی تو به پیکر سر ما مباد
جدا از تو این کشور ما مباد
(بیت ۷۴۱۹)
- «ایدونک» بجای «این‌چنین»
گر ایدونک خواهد به گشتی گذار
نشانم برون آرمش از حصار
(بیت ۴۷۵۸)
- «دیگر» بمعنی «تا»
همان به بکوشیم و این خارین
برآریم دیگر نگشته کهن
(بیت ۶۱۰۱)
- «به» بمعنی «با»
ابا چارپا و فسیله‌رمه
گرفتش به خویش و قبیله همه
(بیت ۶۸۶۸)

۵-۱-۳- سطح نحوی

در سطح نحوی نیز شاهنامهٔ سیلمانی دارای اختصاصاتی است که اهم آن شامل موارد زیر است:

جدا نوشتن «ن» نفی از فعل
آوردن «ب» بر سر فعل ماضی: بترسید
آوردن علامت جمع «ها» برای سِپه که خود اسم جمع است.
آوردن «تر» بعد از بسیار: بسیارتر
کاربرد اشنیده‌ام بجای شنیده‌ام و بنشاختن بجای بنشانندن
آوردن «ی» استمرار آخر افعال
کاربرد گریز بجای گریخت
کاربرد «چو» بجای «چه» و «با» بجای «به»
آوردن افعال مرکب
فاصله‌گذاری بین دو جزء فعل مرکب
کاربرد دو بادام مغز بجای بادام دو مغز
کاربرد «دودمان» بمعنی مانند دود
آوردن لفظ «مر»

مگر آنکه روزی ز دریاکنار
اوج را بفرمود مرشهریار
(بیت ۵۶۴۰)
شه مصر را بود مرآن زمان
هوایی که تازد به هندوستان
(بیت ۵۶۳۲)

آوردن دو حرف اضافه پیش و پس از متمم

گریزان چو زن در عماری شدند
به نارین در اندر حصارى شدند (بیت ۱۴۴)
به نقب اندرون کرد آتش رها
تو گفתי که در غار شد اژدها (بیت ۱۳۲)
به دریا درون بادبان برگشاد
ز تری به خشکی روان شد چو باد (بیت ۵۵۸۴)

۵-۲- سطح ادبی

با بررسی شهنشاهنامهٔ سلیمانی میتوان به این نتیجه رسید که زبان شاعر جز در مواردی بسیار نادر، ساده و روان است. او به علم بیان و آرایه‌های ادبی بخوبی آشناست و از آنها بهره برده است. در این منظومه میتوان برای اکثر صنایع ادبی نمونه‌هایی یافت:

تشبیه:

این منظومه سرشار از تشبیه است و در دوهزاربیتی که بررسی شده، ۳۸۶ تشبیه وجود دارد که ۳۶۴ مورد آن تشبیه محسوس است (۱۸/۲ درصد) و ۲۲ تشبیه عقلی به حسی و یا برعکس (۱/۱ درصد) و ۲۷ تشبیه بلیغ یا اضافهٔ تشبیهی (۱/۳۵ درصد) را شامل میشود؛ بنابراین تشبیهات بیشتر از نوع حسی به حسی است؛ برای نمونه چند مورد آورده میشود:

به صبحی که از فرخی آفتا
بیفکند چون ماه خَلج نقاب (بیت ۴۲۹۷)
برآورده گلها چو گلنار نار
شده چهره‌ها چون گل از آب نار (بیت ۴۹۸۷)
ز بهر پریدن به تاراج ز
برآورده چون ششپر و تیر پر (بیت ۱۲۲۸)
سمندان تازی به زینهای عاج
جهنده چو گندم به بالای ساج (بیت ۳۴۲۳)
رخ آسمان خالی از دود کرد
چمن شسته رخساره چون لاجورد (بیت ۶۴۹)

استعاره:

یکی از آرایه‌های بیانی پرکاربرد در این شاهنامه استعاره است. برای نمونه به چند مورد اشاره میشود:

گل سرخ بشکفت از ایوان سبز
فلک قرص زر هشت برخوان زر (بیت ۴۲۹۸)
گل سرخ: خورشید، ایوان سبز: آسمان، قرص زر: خورشید، خوان سبز: آسمان
بس ای عارف این گنج پرداختن
گل سرخ را زعفران ساختن (بیت ۴۴۶۳)
گل سرخ: روی سرخ، زعفران: چهرهٔ زرد

دیگر استعاره‌های بکاررفته عبارتند از: شه لاجوری حصار(خورشید)، تبسم برق(استعاره از تبعیه)، دندان ابر(اضافه استعاری)، گلاب و در(استعاره از اشک)، اشک چشمه، چشم حباب، گریه حباب، چشم چشمه، لب چشمه، اندام رود، شه روم(استعاره از خورشید).

تشخیص:

قضا ز آسمان عزم خونریز کرد سنان را به خون اشتها تیز کرد(بیت ۹۰۷)
زه از ناصبوری شده بیدرنگ که تا کی ببوسد لبش را خدنگ(بیت ۱۲۷)

کنایات و ضرب‌المثلها:

نمازی شدن: طاهر و پاکیزه شدن
ز چشمه نمازی شده هر نهال بیفکنده سجاده‌ها از ظلال(بیت ۴۵۵۷)
نمازی کردن: شستشو دادن

خروسان که گردنفرای کنند به خون تاج هم را نمازی کنند
(بیت ۴۸۵۷)

گربه به شلوار افکندن: به اضطراب انداختن
به موشک همه شام تا صبحگاه فکندند گربه به شلوار ماه(بیت)

(۴۲۴۸)

آش در کاسه بودن: نصیب همان بودن
بدانسان گر این سفره برجا بود همان آش در کاسه ما بود
(بیت ۱۷۷)

کارد به استخوان رسیدن: به ستوه آمدن
ولی چون رسد کارد بر استخوان که باشد ز دشمن دگر بیم جان
(بیت ۱۹۳)

فیل را یاد هندوستان انداختن: گذشته‌ها را نو کردن
خصومت مکن با خدادوستان مده فیل را یاد هندوستان
(بیت ۴۱۹)

گرگ باران دیده: باتجربه بودن
به باران تیغ و تگرگ تفنگ منم گرگ باران به میدان جنگ
(بیت ۶۱۳۸)

مار در جیب داشتن: در خطر بودن
مباشید غافل ز کاری چنین که در جیب دارید ماری چنین
(بیت ۳۳)

در شموسی شدن: سرکشی کردن
پر از کینه انگروسی شدند

به هم بی سبب در شموسی شدند
(بیت ۵۶)

آفتاب به گل اندودن: کار غیر ممکن کردن
به شاه خود از من چنین ده جواب

که اندود نتوان به گل آفتاب
(بیت ۵۰۷۰)

اسلوب معادله:

که دارد به شمشیر او تاب زور؟

چه تابش بود شمع را پیش نور؟
(بیت ۲۷۸۶)

اغراق:

ز تخته در او ظرفها همچو خم
لف و نشر:

که گشتی در او قلزم و نیل گم (بیت ۱۱۰۳)

به تیغ و تبرزین و گرز و کمند
ایهام تبادر:

برید و درید و شکست و فکند (بیت ۵۷۸۶)

کشیده مهان دگر هر طرف
مراعات نظیر:

به قانون چو تار نوازنده صف (بیت ۳۸۹۵)

نزید که بر نطع بی شاه او
تضاد:

برانیم اسبی به بنگاه او (بیت ۱۳۰۴)

غریو زن و مرد و برنا و پیر
پارادوکس:

ز هرسو برآمد به ناهید و تیر (بیت ۱۴۱)

شکوفه شکفت از نهال پرآب
چو زال زر از امهات اثر

که آری شگفت آورد شیب شاب (بیت ۴۵۴۴)
دگرباره زادند طفلان پیر (بیت ۴۵۴۶)

تلمیح:

در این کتاب ابیاتی بچشم میخورد که اشاره به آیات، احادیث و روایات دارد؛ از جمله:
کند هرچه خواهد ز هست و ز نیست
که اشاره به آیه «یدالله فوق ایدیهم» دارد.

به بالای دستش دگر دست نیست (بیت ۲۴۴۶)

بری ذاتش از شبه شبه و مثال
اشاره به «ولم یکن له کفو احد»
جنابش ز خورشید بالاتر است

بری ملکش از نقضنقص و زوال (بیت ۲۴۴۴)

نبی شهر علم و درش حیدر است (بیت ۲۵۴۶)

اشاره به حدیث «انا مدینه‌العلم و علی بابها»

ز نور خود اول حبیبی که جست

به وجه حسن کرد خلق از نخست

(بیت ۲۲۹۴)

اشاره به حدیث «اول ما خلق الله نوری»

در آن دم که این قصر افلاک بست

به سقفش کتیبه ز لولاک بست

(بیت ۲۲۹۶)

اشاره به حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک»

ترکیبات وصفی و اضافی:

در این منظومه ترکیبات وصفی و اضافی زیبایی بوفور بچشم میخورد، از جمله: حریر شفق، عروس ظفر، نقاب صبح، کمند گلوگیر، فانوس نقشین، جلاد چرخ، باده هستی‌ریا، شیشه نام‌ونگ، قاقم آب، عروسان گل، ابر سیمابخیز، گرگ اجل، یوسف جان، اژدر آذری، باغ ظفر، باد نصرت، آواز قانون، رگ عقل، غربال افلاک، عروس شب، بلقیس فتح، شام ستم، عروس خور، سمند جهان، غنچه فتح، پنبه دل.

توصیف

توصیف یکی از مؤلفه‌های منظومه‌های حماسی است و شاعران میکوشند تا ضمن توصیف صحنه‌ها و افراد هنرنمایی کنند. عارف نیز در منظومه حاضر هرکجا مجال یافته، به توصیف پرداخته است؛ از جمله و صف طبیعت و بهار، و صف میدانهای جنگ، و صف زیبایی کنیزان و دختران و... که در جای جای این اثر مشهود است:

یکی نامور دختری همچو ماه

دهان و لبش دلکش و خوشگوار

لبان همچو پسته، دهان همچو قند

ز سر تا به پای مایه نوش و ناز

یکی دخت پرورده چون درّ ناب

و یا در وصف سرمای خرقان چنین میسراید:

غبار زمین را چنان بُرد بُرد

هوا شد ز ابر سیه سیم‌بار

ز زاله چنان شد کف خاک پر

ز سرما لب چشمه‌ها شد کبود

تگرگ از هوا تیرباران گرفت

پیوشید ابر سیه چرم دیو

ز مشک ترش بر به تارک کلاه (بیت ۵۵۱۹)

بپرورده با شکر و مشک ناب (بیت ۵۵۲۳)

دو ابرو کمان و دو گیسو کمند (بیت ۵۵۲۶)

ز بان دان و فرخ رخ و دلنواز (بیت ۵۵۲۸)

ندیده رخس را به روز آفتاب (بیت ۵۵۳۰)

که نشست بر دامن مرد گرد (بیت ۴۷۵۶)

چو شاخ شکوفه به وقت بهار (بیت ۴۷۵۹)

که شد رخ خاک زمین رخ در (بیت ۴۷۶۱)

بیفتاد لرزه بر اندام رود (بیت ۴۷۷۴)

زمین آسمان را به دندان گرفت (بیت ۴۷۷۷)

فتاده به گردون غریوا غریو (بیت ۴۷۸۰)

۵-۳- سطح فکری

همانگونه که ذکر شد، فتح‌الله عارف مثنوی شهنشاه‌نامه سلیمانی را بتقلید از شاهنامه فردوسی سرود و اساس کارش قدم نهادن در راهی است که فردوسی قرن‌ها قبل از او آن را بخوبی طی کرده است؛ او در چندجا ادعای همسانی با فردوسی را دارد و از پادشاه زمان میخواهد که به او کمک کند و بلایی را که سلطان محمود غزنوی بر سر فردوسی آورده و به عهد خود وفا ننموده، بر سر وی نیارد و میگوید اگر فردوسی شاهنامه را در سی سال سرود، من در اندک زمانی اثر خود را به نظم درمیآورم. عارف در منظومه خود مضامین متعددی را بیان کرده است؛ ازجمله:

۵-۳-۱- تفاخر:

شاعر گاهی اوقات خوی خودستایی و تفاخر دارد:

سخنهای من چون بخواند کسی	کند یاد من هر که باشد بسی (بیت ۴۴۹۳)
به امروزه حسن سخنهای من	کفاف است تحسین فردای من (بیت ۴۴۹۴)
پس از من چو این نامه نامدار	بخوانند شاهان فرخ‌تبار (بیت ۴۴۹۵)
همه بر سخن آفرینم کنند	تأسف به حال حزینم کنند (بیت ۴۴۹۶)
منم بنده طوق احسان تو	کمر بسته تیغ فرمان تو (بیت ۱۶۸۱)
گهرریز بحر سخندانیم	به عهد تو فردوسی ثانیم (بیت ۱۶۸۲)

۵-۳-۲- مدح و ستایش خداوند

عارف در جای‌جای منظومه خود از زبان پادشاهان و فرمانروایان به حمد و ستایش خداوند پرداخته است:

سر نامه نام خداوند پاک	کریمی که جان داد بر جسم خاک (بیت ۲۴۳۸)
حکیمی، بری ذاتش از هر علل	قدیمی، غنی ملکتش از خلل (بیت ۲۴۳۹)
هوالاولی، اولش ناپدید	هوالآخری، کآخرش کس ندید (بیت ۲۴۴۰)
یکی ظاهری لیکن از ما نهان	یکی باطنی در همه جا عیان (بیت ۲۴۴۱)
بری ذاتش از شبه شبه و مثال	غنی ملکش از نقض نقض و زوال (بیت ۲۴۴۴)
کند هرچه خواهد ز هست و ز نیست	به بالای دستش دگر دست نیست (بیت ۲۴۴۶)

۵-۳-۳- اعتقاد به پیامبر و ائمه که در بسیاری از ابیات بچشم میخورد:

به گرد مزار بزرگان دین	همه گشت و مالید رخ بر زمین (بیت ۴۸۸۰)
چو پرداخت از روضه مرتضی	روان شد سوی مشهد کربلا (بیت ۴۸۸۷)
چو لاله ز داغ حسین شهید	به دامن گلاب از رخس میچکید (بیت ۴۸۸۹)
امامان معصوم را سربه‌سر	همه گشت چون باد بر گرد سر (بیت ۴۸۹۳)
چراغ شریعت فروزنده کرد	همه سنت مصطفی زنده کرد (بیت ۴۹۰۰)

کجا روضه‌ای بود با مشهدی بیفروخت شمع‌ی به هر مرقدی (بیت ۴۸۹۴)

۵-۳-۴- مدح پادشاهان

عارف همچون شاعران مدیحه‌سرا به مدح و ستایش پادشاهان پرداخته است:

ایا نامور شاه فیروزبخت	که دارای تاجی و دیهیم و تخت (بیت ۱۶۳۶)
به زیر نگین ملک عالم تراست	همه کام گیتی مسلم تراست (بیت ۱۶۳۷)
خداوندگارا شها داورا	جهان‌پادشاه هنرپرور (بیت ۷۴۸۲)
بزرگی و شاهیت پاینده باد	چراغ زمانه به تو زنده باد (بیت ۷۴۸۳)
شهان زمن باد با بخت تو	کمینه پرستنده تخت تو (بیت ۷۴۸۴)

۵-۳-۵- پندواندرز که از ویژگی بارز این اثر است:

یکی از مهمترین مضامین شعری در تمام دوره‌ها نکات تعلیمی و پندواندرز است. نفوذ آموزه‌های دینی بر رواج اینگونه معانی و کثرت آثاری که شامل دستورهای اخلاقی و نصایح معنوی باشد، کمک کرده است. در این منظومه بدلیل گرایش مذهبی شاعر و اینکه جنگها، جنگهای دینی است، نکات اخلاقی و پندواندرز تنوع قابل ملاحظه‌ای دارد. عارف تنها در بخش سوم اثر خود حدود ۴۲ جا از اینگونه مضامین سخن گفته است.

نه مردی بود بازو افروختن	ز دنبال خصم زبون تاختن (بیت ۱۲۹۷)
اگر چند دشمن زبون کش بود	گذشتن ز خصم زبون خوش بود (بیت ۱۲۹۸)
شکیبایی آور به هر کار تنگ	که دوران نیارد به کاری درنگ (بیت ۱۵۲۸)
مشو شاد با خنده زر چو مار	که خندیده چون گل به روی هزار (بیت ۴۴۷۳)
مزن نعل آمید بر رخس کام	که این ره همه پر ز چاه هست و دام (بیت ۴۴۷۹)
چو افتد میان مخالف خلاف	تو شمشیر خود را بنه در غلاف (بیت ۷۵)
چو دشمن به دشمن توان کرد پست	چه باید به شمشیر یازید دست (بیت ۷۶)
در آن کوش با دانش و داوری	که دشمن به دشمن شکست آوری (بیت ۸۱)

• ۵-۳-۶- بی‌اعتباری و ناپایداری دنیا

• بی‌اعتباری و ناپایداری دنیا و به آن اعتماد نداشتن مضمونی است که از گذشته‌های دور در شعر فارسی وجود داشته است. در شاهنامه سلیمانی نیز ابیات فراوانی وجود دارد که انسان را از توجه و دل‌نهادن به دنیا برحذر می‌دارد؛ ازجمله:

جهان را در این بحر زرین حباب	• بسی نقش‌ها هست بر روی آب (بیت ۳۷۷۸)
مپندار مهر جهان نو بود	• که چرخ کهن در روا رو بود (بیت ۳۷۷۹)
تماشای این دشت مینو سرشت	• برد از دل مرد یاد بهشت (بیت ۳۷۸۲)

• ۵-۳-۷- تأکید بر شادی و شاد بودن

• شادی از مضامینی است که از آغاز پیدایش شعر فارسی، شعرا از آن سخن گفته‌اند؛ در شاهنامه سلیمانی هم این مضمون دیده میشود:

- خوشا ملک شادی که آباد باد بدو جان غمدیدگان شاد باد (بیت ۴۰۲۲)
- نشاط و خوشی مرد پروایه را بود مایه، عمر گرنامه را (بیت ۱۰۲۳)

• ۵-۳-۸- اشاره به دانشهای دیگر چون موسیقی، نجوم، طب و شطرنج از دیگر ویژگیهای این

منظومه است:

موسیقی:

گرفتند پرده‌زنان در زمان	به آواز قانون رگ عقل و جان (بیت ۴۱۳۷)
دف از خوردن سیلی اوستاد	هنرها بس از سیلی او ستاد (بیت ۴۱۴۰)
نی و نایزن چون دو عاشق به هم	نهادند لب بر لب و دم به دم (بیت ۴۱۴۱)
مغنی به آواز طنبور و عود	درآورده ناهید را در سرود (بیت ۱۷۸۳)

نجوم:

چو شاهینش از دست گشتی رها	دل نسر طایر پریدی ز جا (بیت ۱۸۴۲)
رسیده نه بر سمت رأس آفتاب	ندیدی کسی پشت پا از حجاب (بیت ۳۸۵۷)
سرافراخت قطب شمالی ز جیب	زمین را نماند از ضیا فروزیب (بیت ۳۸۴۸)
خط استوا شد به زیر افق	سر خود جهان برد زیر تنق (بیت ۳۸۴۹)

شطرنج:

نزید که بر نطع بی‌شاه او	برانیم اسبی به بنگاه او (بیت ۱۳۰۴)
تهی کرد اکنون رخ عرصه‌گاه	ز پیلان تازنده و اسب شاه (بیت ۱۸۶۵)

طب:

گرفته چو رگزن رگ عقل و هوش	به جان از سر نیش پاشیده نوش (بیت ۴۱۵۴)
تن و پیکری را که بی‌جان بود	پراکندگی ز اخشیجان بود (بیت ۲۰۲۹)

حساب

فتح‌الله عارف از علم ریاضی و حساب و کتاب نیز بهره داشته و در جای‌جای اثر خود از آن بهره برده است:

دو فرد اندر مفرده سال و ماه	نوید حساب سفید و سیاه (بیت ۲۱۱۰)
در این حرف و من‌ذلک بردوام	نماند ز کس باقی الا که نام (بیت ۲۱۱۶)
همه روزه با خامه همچو موی	ستاند حسابش طسو بر طسوی (بیت ۲۱۱۴)

کسی را که بر حشو باشد حساب
به نزد خردمند باشد دواب (بیت ۲۶۵۰)
ز یک من قفیزی چو منها شود
ز بقیه‌ش به بارز چه پیدا شود؟ (بیت ۲۶۵۳)

۶- نتیجه‌گیری

از مجموعه تصحیح و بررسی شاهنامه سلیمانی نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. تأثیر زبان فارسی در آسیای صغیر باعث شد تا شعرا و نویسندگان زیادی بتقلید از شاعران و نویسندگان ایرانی آثاری را پدیدآورند؛ از جمله فتح‌الله عارف که بتقلید از فردوسی، شهنشاهنامه سلیمانی را بنظم درآورده است.

مشخص است که این اثر همتای شاهنامه فردوسی نیست، اما تحلیل و بررسی ویژگیهای سبکی این اثر بی‌اهمیت نیست.

۲. فتح‌الله عارف از شاعران ایرانی‌الاصل است که در خانواده‌ای ادیب و خطاط و شاعر میزیسته است که آثاری به نظم و نثر تألیف کرده، اما هیچکدام به زیور طبع آراسته نشده است. وی از شعرای عهد سلطان سلیمان خان عثمانی قانونی و شاهنامه‌چی او بود. عارف شاهنامه‌ای برشته نظم کشید که شامل ۶۰ هزار بیت است و آن را به سلطان سلیمان قانونی هدیه کرد. جلد اول این اثر در آفرینش پیامبران، جلد دوم از ظهور اسلام و گسترش آن، جلد سوم درباره فرمانروایان ترک قدیم و سلجوقیان، جلد چهارم درباره امپراطوری عثمانی و جلد پنجم درباره سلطان سلیمان قانونی است.

۳. نسخه‌های موجود از شاهنامه سلیمانی شامل نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی با شماره ۴۲۴۹، نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با شماره ۲۰۶۷، نسخه کتابخانه موزه توپکاپوسرای ترکیه با شماره H.1517 و نسخه کتابخانه ماگنسا با شماره ۲۷۲۹/۳ است.

۴. شاهنامه سلیمانی بر وزن شاهنامه فردوسی سروده شده و از موسیقی کناری (قافیه و ردیف) و موسیقی درونی و معنوی بسیار استفاده کرده است. در سطح لغوی و نحوی بسیاری از ویژگیهای سبک خراسانی و مختصات شاهنامه فردوسی در این اثر دیده می‌شود.

۵. در سطح ادبی عارف در شاهنامه خود از آرایه‌های ادبی و شگردهای بیانی بسیار استفاده کرده و این اثر سرشار از استناد و استشهاد به آیات و احادیث و بکارگیری مضامین مشترک عرفان و حماسه از دیگر ویژگیهای این اثر است.

۶. در سطح فکری در این شاهنامه علاوه بر مضامین سبک حماسی چون تفاخر و ستایش پروردگار و نعت پیامبر و مدح پادشاهان، مهمترین مضمون پندواندازهای اخلاقی و تعلیمی است. همینطور تأکید بر بی‌اعتباری دنیا و ناپایداری آن، شادی و شادزیستن و اشاره به علوم و فنون رایج از دیگر مضامین بکاررفته در این اثر است.

فهرست منابع

الف) کتابنامه:

- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس (۱۳۶۸)، تهران: فردوس.
- ایضاح‌المکنون، بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۹۴۷ م)، استانبول.
- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۷۰)، تهران: فردوس.
- پارسی‌نویسان آسیای صغیر، یازیچی، تحسین (۱۳۷۱)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱)، ۲ جلد، تهران: فردوس.
- دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در آناتولی و بالکان، انوشه، حسن (۱۳۷۵)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ریحانه‌الادب، مدرس، محمدعلی (۱۳۶۹)، جلد چهارم، تهران: کتابفروشی خیام.
- زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، ریاحی، محمدامین (۱۳۶۹)، تهران: پاژنگ.
- زبان همدلی، حسنی، کاووس (۱۳۹۲)، استانبول: دماوند.
- سبکشناسی، بهار، محمدتقی (۱۳۸۶)، ۳ جلد، تهران: امیرکبیر.
- سبکشناسی شعر فارسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، تهران: فردوس.
- سبکشناسی نثرهای صوفیانه، غلامرضایی، محمد (۱۳۸۸)، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی.
- سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، دولت‌آبادی، عزیز (۱۳۷۰)، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی
- شعر و ادب در آسیای صغیر تا سده دهم هجری خسروشاهی، رضا (۱۳۵۰)، تهران: دانشسرای عالی.
- عروض آسان و قافیه شعر نو، نوروزی، جهانبخش (۱۳۷۵)، شیراز: نوید.
- فارسی عمومی (سیری در ادبیات ایران و جهان)، پاکرو، فاطمه (۱۳۸۴)، تهران: روزگار.
- فرهنگ بزرگ سخن، انوری، دوره ۸ جلدی، حسن (۱۳۸۱)، تهران: سخن.
- فرهنگ تلمیحات، شمیسا، سیروس (۱۳۶۶)، تهران: فردوس.
- فرهنگ کنایات سخن، انوری، حسن (۱۳۸۳)، ۲ جلد، تهران: سخن.
- فرهنگ موسیقی شعر، ذوالفقاری، محسن (۱۳۸۰)، قم: نجبا.
- فهرست نسخه‌های خطی، منزوی، احمد (۱۳۴۸-۱۳۵۴)، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- فهرستواره دستنوشته‌های ایران، درایتی، مصطفی (۱۳۸۰)، دوره دوازده‌جلدی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۰)، تهران: دانشگاه تهران.
- قاموس الاعلام، سامی، شمس‌الدین (۱۳۰۸ ق)، جلد چهارم، استانبول: مهران، مطبعی سی.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، تهران: فردوس.
- لغتنامه، دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، جلد ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸)، تهران: آگاه.
- نقد و تصحیح متون، مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نگاهی به روند نفوذ گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، الهامه مفتاح، وهاب ولی (۱۳۷۴)، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- هدیه‌العارفین و اسماء‌المولفین، بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۹۵۱ م)، استانبول: منشورات مکتبه‌المثنی.

ب) مقاله:

- «نگاهی به برخی از ویژگیهای سبکی شاهد عرشی»، یلمه‌ها، احمدرضا، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱.